



## شهربانو

۲۱ تیر ۱۴۰۰  
۱ ذی الحجه ۱۴۴۲ شماره ۳۳۲۲

(۲)

غلامرضا بنی اسدی

(پرتو)

## حجاب میدان تجمل و تفاخر نشود!

هم داشته باشد، با روح حجاب ناسازگار است که حجاب، پوشیده رفتاری است نه به رخ کشیدن، و با تفسیری که برخی مفسران بر آن تأکید دارند، آیات ناظر به حجاب، حتی «و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن و یحفظن فروجهن و لا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یبدین زینتهن» (نور، ۳۱) علاوه بر تأکید بر حجاب، به منع تفاخر هم نظر دارد. نباید زینت هایشان را آشکار کنند چون باعث توسعه حسرت در میان فقرا می شود. با این نگاه، آنچه به اصطلاح به آن «حجاب لاکچری» گفته می شود جای «اما» و «اگر» های فراوان دارد چون در عمل، به مسابقه ای برای نمایش داشته ها و به رخ کشیدن تازه های بازار است که فقط گروهی اندک می توانند آن را فراهم کنند. توجه داریم که حجاب امری دینی اجتماعی است. رعایت آن باید اخلاق دینی و اجتماعی را مدد برساند نه اینکه حسرت نداشته ها را در نگاه بسیاری برانگیزاند و به عریان سازی فاصله های اقتصادی اجتماعی بینجامد. این، عملاً ایستادن در برابر فرهنگ دینی است که حجاب بخشی از آن است. با بررسی نتایج پدیده حجاب استایل ها می توان به این قاعده فقهی حقوقی توجه داد که «ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد». یعنی آنچه منظور بوده واقع نشده و آنچه واقع شده منظور نبوده! اگر به دنبال تعظیم و تکریم حجاب هستیم، باید به شیوه ای اقدام کنیم که با هدف فرهنگ حجاب همخوان و هم خانواده باشد. پوشیدگی، آراستگی، حریم داری و حرمت گذاری را ترویجی بایسته و شایسته باشد.

حجاب فقط پوشش نیست بلکه فراتر از یک کنش فردی، یک رفتار دینی و حتی بالاتر، به مثابه یک مکتب مطرح است. مکتب درست زندگی کردن، اندیشمند زیستن، سلامت سلوک کردن و سعادت مند به سوی فردا رفتن است. لذا از فرد محجبه توقع رفتاری است که از متدین ترین و اخلاقی ترین مردم می توان انتظار داشت. این گزاره را با تأکید بیان کردم تا به یک بستر تازه در بحث حجاب گام بگذاریم با این تصریح که حجاب مد نیست که هر روز به شکلی درآید. حرف در این نیست که فرد محجبه نباید زیبا بپوشد و در پوشیده پوشی خود هنر به خرج ندهد. اتفاقاً باید هنرمندانه بپوشد و با وزانت حجاب خود، مبلغ این تکلیف الهی باشد. البته روش انجام تکلیف باید در راستای همان تکلیف نظم یابد و در نگاهی کلان تر، با دیگر تکالیف دینی انسان، دارای هارمونی بشود و با کامل کردن یکدیگر، شمای کلی کامل و شاخص برای شخصیت دینی فرد تعریف کنند. اینکه عرض می کنم حجاب مد نیست که هر روز به رنگی و شکلی دربیاید از این روست که در بستر فضای مجازی شاهد تبلیغ های لوکس برای آدم های محجبه هستیم. اگر سری به صفحه های اینستاگرام بزنید، این واقعیت را ملموس تر در خواهید یافت که انگار دارد نوعی رفتار سازی جدید رخ می دهد که به نام حجاب، دارد حجاب را به حاشیه می راند. انگار در بستر حجاب دارند به طراحی و ترویج تعریف تازه ای از حجاب می پردازند که با خود سبک زندگی و رفتاری تازه ای به همراه می آورد، سبکی که اگر پوشش صد درصدی

(صدف)

ریحانه صادقی  
مترجم



## چرا حجاب؟ چرا اسلام؟

شبکه ABC استرالیا با چند زن مسلمان و محجبه اهل استرالیا مصاحبه کرده است تا ببیند آن ها در جامعه با چه پرسش ها و چالش هایی روبه رو هستند. در اینجا پاسخ ۲ نفر از این زنان را می خوانیم.

چرا روبروی سری می کنی؟

وقتی «آن محمد» از سنگاپور به استرالیا آمد، به دلیل نحوه لباس پوشیدنش، برای همگام شدن با فرهنگ و مردم این کشور خیلی با چالش مواجه نشد تا اینکه ۴ سال پیش تصمیم گرفت حجاب را رعایت کند و به ناگاه موجی از پرسش ها به سمتش روانه شد. او می گوید: «می خواستم همه بدانند من به مسلمان بودنم افتخار می کنم». خانواده همسرش که یک استرالیایی سفید پوست است، گاهی از او در این باره می پرسیدند. «خواهرزاده ها و برادرزاده های همسر من از من می پرسند: چرا این را سرت می کنی خاله آن؟ چه شد که یکپوشه تصمیم گرفتی موهای سرت را بپوشانی؟» آن نیز فرصت را مغتنم دید و تصمیم گرفت با دادن اطلاعات صحیح به آن ها به گسترش آگاهی درباره اسلام کمک کند. او می گوید: «حالا که می دانند اسلام چیست، کم کم دارند درک می کنند چرا ما روزه می گیریم یا چرا عید را جشن می گیریم. آن مجبور بود برای آن ها توضیح دهد که علی رغم تصمیمش درباره حجاب داشتن، همان آدم سابق است. او می گوید: «من تغییر کردم، بله، اما من هنوز همان آدمی هستم که عضوی از خانواده آن ها بود. من هنوز همان آدمی هستم که پیش از این تغییرات ظاهری می شناختند. در نهایت، بعد از مدتی، البته به تدریج، آن ها نیز این مسئله را پذیرفتند و متوجه شدند من همان آن سابق هستم.»

می شود هم مسلمان بود و هم استرالیایی؟

آمبر ریند یک زن یاماتجی (از بومیان استرالیا) از کشور بادیمیا در غرب استرالیا است. پدر بزرگ آمبر شتربانی اهل بلوچستان (بخشی از پاکستان) بود که در سال ۱۹۸۰ به این کشور آمد و با زنی از بومیان استرالیا ازدواج کرد. در استرالیا، جامعه افرادی که هم بومی باشند و هم مسلمان بسیار کوچک است و یافتن راهی برای حفظ هردو هویت، خود، چالشی جدی است. آمبر یک پزشک عمومی است و در ملبورن زندگی می کند. او می گوید: «من به عنوان زنی که مسلمان بودنم به واسطه حجابم کامل تشخیص داده می شود، در معرض افکار و رفتارهای اسلام هراسانه ای قرار دارم که در جامعه استرالیا وجود دارد. مجبور بودم بچنگم تا بتوانم با حجاب در عمل های جراحی حاضر شوم و حضور من باعث تعریف دستورهای بهداشتی جدیدی در بیمارستان محل کارم شد. علاوه بر اسلام هراسی، دکتر ریند هم در محل کار و هم در بین هم کیشان مجبور به تحمل رفتارهای نژاد پرستانه نیز بود. او می گوید: «وقتی در میان هم کیشان مسلمانم درباره ریشه های بومی ام صحبت می کردم، باریشان خند و تمسخر روبه روی می شدم. در محل کار هم با گرایش های ضد بومی روبه رو بودم، و بعضی از همکاران پزشک حرف های نژاد پرستانه ای می زدند.» دکتر ریند در نوجوانی با این هویت دوگانه به راحتی کنار نمی آمد اما در نهایت متوجه شد باید خودش را همین طور که هست دوست بدارد و بپذیرد. او می گوید «یافتن راه درست و هویت خودم چالش برانگیز بود اما هرچه سبک بالاتر رفت راحت تر شدم و اعتماد به نفسم بیشتر شد.» دکتر ریند معتقد است باید کارهای بیشتری در این باره انجام شود تا بتوانیم مطمئن شویم مفهوم استرالیایی بودن همه استرالیایی ها است، نه فقط بخشی کوچک از آن ها.

<https://www.abc.net.au/news/2021-05-04/questions-i-get-asked-as-a-muslim-woman/100090346>

